

ادامه از صفحه اول

#### عوامل حادثه منا از منظر حقوقی

مضافا این مسئولیت اگر مصداق جرم غیرعمدی هم نباشد و نتوانیم کسی را به‌عنوان مباشر و شریک در ارتکاب حادثه معرفی کنیم، وقوع آن حسب مورد می‌تواند ناشی از تقصیر، قصور، بی احتیاطی، بی‌مبالاتی و مسامحه عواملی باشد که موظف بوده‌اند تمهیدات لازم را برای برگزاری این مراسم بدون هرگونه حادثه فراهم‌کنند و امکان بروز حادثه را از بین ببرند. آنان‌که از انجام وظایف خود شانه خالی کرده یا کارهایی که نباید انجام می‌دادند، انجام داده‌اند، مقصرند. باید بررسی شود که کدامیک از مسئولان عربستان در برگزاری این مراسم و جلوگیری از حادثه مقصر بوده‌اند. چنانکه گفتیم در حوادث غیرطبیعی، عوامل انسانی نیروی محرکه وقوع حادثه است؛ اعم از اینکه این دخالت عمدی یا غیرعمدی باشد، خواه آن حادثه جرم باشد یا جرم محسوب نشود. فعل مادی که موجب وقوع حادثه‌ای باشد یا با قصد و نیت قبلی است یا این واقعه بدون قصد و نیت قبلی اتفاق افتاده است. چنانکه عملی بدون قصد خاصی صورت گیرد و صرف ارتکاب عمل هم (مانند دشنام‌دادن) جرم نباشد، جرم غیرعمدی است و باید جریان ضرر و زیان شود. حوادث به‌طور عام ممکن است در اثر، تقصیر، قصور، بی‌احتیاطی، غفلت، بی‌مبالایی و مسامحه یا تعدادی از این عوامل باشد. تقصیر، ترک عملی است که شخص ملزم به انجام آن است یا تقصیر عملی (جرم یا غیرجرم) است که شخص از آن منع شده است. باید تحقیق شود آیا در وقوع این حادثه کسی مشمول این تعریف است‌شود و مقصر است یا خیر؟ کسی که از انجام الزامات قانونی خودداری می‌کند، باید مجازات شود و اگر عمدا این کار صورت گیرد، مجازات عامل تشدید می‌شود. قصور در انجام کار یا عجز از انجام کاری نیز می‌تواند از عوامل وقوع حادثه باشد و چون در قصور، «عنصر قصد» ضعیف است، در نقطه مقابل تقصیر قرار می‌گیرد و مجازات آن کمتر است. بی احتیاطی و غفلت از انجام کار یا عدم انجام آن نیز می‌تواند در وقوع حادثه مؤثر باشد. غفلت، از جنس ترک وظیفه یا ترک عمل است ولی بی‌احتیاطی، از جنس فعل است و ناظر به ارتکاب افعال و اعمالی بدون پیش‌بینی‌های قبلی و حزم کافی و لازمی است که باید رعایت شود. این حزم و احتیاط لازم از همه کارگزاران برگزاری مراسم حج از جمله در یکی از مناسک آن است که در جمرات است، توقع می‌رفت. مسامحه و بی‌مبالاتی نیز می‌تواند از عوامل وقوع حادثه باشد. مسامحه که در لغت به معنی سهل‌انگاری است در حقوق جزا عنوان کوتاهی و اهمال در انجام وظیفه را دارد. اهمال در حقوق، وصف کسی است که از روی خودخواهی و وظایف خود را ترک کند یا نادیده بگیرد، در مقابل آن بی‌مبالاتی است که در حقوق جزا به معنی اقدام به انجام فعل یا ترک فعلی است که عرفا نباید به آن مبادرت کند. به شرح فوق این عوامل شش‌گانه به ترتیب اهمیت می‌تواند موجب وقوع حادثه باشد و در مورد تقصیر تشخیص سایر موارد با عرف است. در فرض عمدی نبودن حادثه، نمی‌توان گفت هیچ‌یک از این عوامل شش‌گانه هم وجود نداشته است و در هر صورت دولت عربستان در مقابل جان‌باختگان و ورئه آنان مسئول است، چراکه عامل یا عوامل شخصی در زمینه حادثه منا تاکنون شناسایی یا معرفی نشده‌اند. براساس فقه اسلامی در فریقین شیعه و سنی وقتی عامل حادثه مشخص نباشد، دولت محل وقوع حادثه به‌عنوان متولی بیت‌المال ضامن پرداخت دیه جان‌باختگان است؛ مضافا باید برای اقناع خانواده‌های قربانیان و به‌طورکلی جامعه مسلمانان علت وقوع این حادثه را توضیح دهند و از خانواده قربانیان دلجویی کنند. در خاتمه لازم به یادآوری است مطابق حقوق بین‌الملل، مادامی که قصد مداخله مستقیم دولت‌ها در وقوع حوادثی که منجر به قتل یا کشتار جمعی شود، احراز نشود و نسل‌کشی عمدی اثبات نشود، به حاکم عدم مسئولیت دولت‌ها نمی‌توان دولت را در محاکمات قضایی در فریقین شرق و غرب داد. در صورت رسیدگی به این حادثه دلخراش هم محاکم عربستان است که درصورت تشکیل، احتمالا به نتایج آن نمی‌توان امید داشت.

**۴ مؤلفه‌های امنیت شغلی در ایران با مؤلفه‌های سازمان جهانی کار مطابقت دارد؟**
از منظر مؤلفه‌های امنیت شغلی، که در سطح بین‌الملل وجود دارد، ایران در مرحله گذار است؛ ازاین‌رو نمی‌توانیم امنیت شغلی در ایران را از منظر مؤلفه‌های بین‌المللی قیاس کنیم؛ چراکه در مشاغل بین‌المللی، سال‌هاست مشاغل به‌گونه‌ای تعریف شده‌اند که ثبات و امنیت داشته باشند و پشتیبانی کامل از قانون تأمین اجتماعی نیز در بحث اشتغال اجرا می‌شود.
**۴ چرا نمی‌توانیم امنیت شغلی در ایران را با این مؤلفه‌ها قیاس کنیم؟**
سالیان سال است وزارت کار، در برداشت از ماده هفت قانون کار سر در گریبان است و هنوز نتوانسته تعریف درستی از مشاغل با ماهیت دائم و مشاغل با ماهیت موقت داشته باشد. هنوز بحث بیمه بی‌کاری به‌گونه‌ای جمع‌بندی نشده‌ت‌ا اگر کارفرما نیرویی را به‌بردلایی، پس از پایان قرارداد یا قبل از آن، بی‌کار کرد، بدون نیاز به نامه کارفرما، مبنی بر صحت بی‌کارشدن نیرو، اهرم‌های ارتباطی وجود نداشته‌اش و از بی‌کارشدن کارگر اطلاع پیدا کند و به تبع آن، حمایت‌هایی را آغاز کند. حالا کارگری که بی‌کار می‌شود باید از هفت‌خان بگذرد تا اثبات کند بی‌کار شده و بی‌کاری او غیرآدای است و به تبع آن، صبر کند تا برای بیمه بی‌کاری او تصمیم‌گیری شود. همه این مسائل باعث می‌شود امنیت شغلی در کشور ما از امنیت شغلی بین‌المللی فاصله بگیرد.

**۴ اوضاع در کشورهای توسعه‌یافته چگونه است و چه اختلافی با کشور ما دارد؟**
برخی به وضعیت استخدام و اخراج در آمریکا و اصطلاح «Hiring and firing»(استخدام و اخراج) اشاره می‌کنند؛ اما نمی‌گویند اگر این سیستم در آمریکا اتفاق بیفتد، آن کارگر دغدغه معیشت و حداقل‌های زندگی را ندارد؛ اما متأسفانه در کشور ما وقتی کارگر بی‌کار شود، از روز اول این دغدغه‌ها به سراغش می‌آید. حال بیاییم و در قیاس با کشورهای دیگر بگوییم که رتبه ما فلان است؛ رتبه زمانی معنای واقعی پیدا می‌کند که اطلاعات و آمار، شفاف شده باشد و حقایق روشن باشند. وقتی هنوز با مداه هفت سر در گریبان هستیم و وقتی وزارت کار با بخش‌نامه‌ای مبنی بر حداقل یک‌ساله‌بودن مدت قرارداد کار دائم صادر می‌کند، به‌گونه‌ای از سوی کارفرمایان تحت فشار قرار می‌گیرد که در ۲۴ ساعت فعالان بازار معتقدند، قیمت دلار بیش از اینها افزایش

**شرق:** دلار سه‌هزارو ۵۰۷ تومان شد. در یکی، دو ماه گذشته این سوسمین‌باری است که دلار یا را از سه‌هزارو ۵۰۰ تومان فراتر می‌گذارد. حال و هوای بازار در این یکی، دو ماه هم بر افزایش قیمت دلار در ماه‌های آتی دلالت دارد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: دلار در روز گذشته با سه‌هزارو ۴۹۰ تومان معاملات خود را آغاز کرد و هنگام بسته‌شدن بازار ارز، قیمت دلار تا سه‌هزارو ۵۰۷ تومان افزایش یافت. البته فعالان بازار معتقدند، قیمت دلار بیش از اینها افزایش خواهد نمود.

**اسامی شرکت کنندگان: سیدفاضل امیر جهانی**  
**حسین بی‌غم – احمد حکیمی‌پور – پیروز حناچی**  
**سیداحمد حسینی – عباس حاتمی – بهمن خطیبی**  
**جعفر رحمانزاده – عنایت‌اله رحمانی – ابوالحسن رضوی**  
**رحیم سلیمانی – ابوالفضل شکوری – حسن کریمی**  
**داود کریمی – نجم‌الدین محمدی – سیدافضل موسوی**  
**سیدفاضل موسوی – سیددیوک موسوی – ابرج مغزی**  
**مصطفی ناصری – سده‌الله نصیری‌قیداری**

## اقتصاد

توفیقی با هشدار نسبت به سیل بی‌کاران تعدیل‌شده در ۲ ماه اخیر:

# بازار کار توان جذب دهه شصتی‌ها را ندارد



سید توفیقی

بخش‌نامه شماره ۴۰ خود را ملغی می‌کند. وقتی هنوز وزارت کار آن‌قدر استقلال ندارد که لاقال چند روز روی بخش‌نامه خود پافشاری کند، چگونه می‌خواهیم درباره امنیت شغلی و رتبه اخراج و استخدام خود در جهان بحث کنیم؟

اگر فرض کنیم کارفرمایان با این نیت که با آنها رایزنی نشده، اعلام کرده‌اند بخش‌نامه ۴۰ را حذف کنید. پس سه‌جانبه‌گرایی چه می‌شود؟ ما اصل سه‌جانبه‌گرایی را، که طبق مقابله‌نامه ILO (سازمان جهانی کار) به آن پیوسته‌ایم، داریم و رعایت نمی‌کنیم و بخش‌نامه‌ای صادر می‌کنیم که درباره آن نه با نماینده کارفرما و نه کارگر صحبت شده و به تبع آن، نماینده کارفرما درخواست معلق‌کردن آن را برای مشاوره و بحث بیشتر ارائه می‌دهد، اما باز هم خبری از منشور و نماینده کارگران به‌میان نمی‌آید.

**۴ امنیت شغلی صرفا درباره استخدام و اخراج مطرح است و دستمزد و معیشت را دربر نمی‌گیرد؟**
زمانی امنیت شغلی برقرار می‌شود که در بازار کار، ثبات داشته باشیم. وقتی تقاضا وجود نداشته باشد، قطعاً عرضه نیز کاهش پیدا می‌کند. وقتی عرضه‌ای نباشد، طبعا کارخانه‌ها بر حداقل ظرفیت کار کرده و سعی می‌کنند هزینه‌ها را تا حدامکان کاهش دهند و درنهایت، سراغ تقلیل یا تعدیل نیروی انسانی می‌روند. وقتی ما ۷ درصد تعریف نشود و زمانی که بیمه بی‌کاری ما هدفمند نیست و وزارت کار حمایتی از کار نمی‌کند، بالطبع امنیت و اشتغال مطمئن نداریم. وقتی در بازار کار، عرضه کار نیست، اما تقاضای زیادی برای کار باشد، کارهای زیرزمینی و قراردادهای سفیدامضا بیشتر می‌شود؛ حتی اخیرا کارفرمایانی قرارداد شفاهی می‌بندند؛ چرا این اتفاق می‌افتد؟ به این دلیل که اقتصاد

و رابطه عرضه‌وتقاضا به هم ریخته و عرضه نیروی کار در برابر تقاضا زیاد است. در این شرایط، نیروی کار، بالاچار، به بازار کار وارد می‌شود و با کارفرما به حقوقی به‌مراتب کمتر از حد استاندارد قرارداد می‌بندد تا فقط شاغل شود. در این شرایط، مؤلفه دستمزد متزلزل می‌شود.
**۴ در شرایطی که اقتصاد با رکود مواجه شده و کارفرمایان نیز تحت فشارند، وزارت کار چگونه حمایت خود را از کارگران افزون‌تر کند؟**
من نمی‌گویم وزارت کار فقط از کارگر دفاع کند. وزارت کار وظیفه‌اش صیانت و حفاظت از واژه «کار» است؛ اما سال‌هاست این موضوع را فراموش کرده‌اند. واژه «کار» فقط مختص کارگر یا کارفرما نیست؛ بلکه هر دو را دربر می‌گیرد. وقتی وزارت کار نمی‌تواند اهرم‌های حمایتی از کارفرما یا کارگر داشته باشد، ثبات و امنیت از

داوطلبان کنکور دکتری دانشگاه‌ها ۹۳۰ هزار نفر هستند. این تحصیل‌کرده‌ها، که اکثراً متولد دهه ۶۰ هستند، عاقبت وارد بازار کار خواهند شد، اما چقدر قدرت ایجاد شغل داریم؟ همیشه آمار دروغ داریم و به ناحق توقعات را بالا برده‌ایم. همین مسئله باعث می‌شود وزارت کار اعلام کند کار برای سطح تحصیلات دیپلم وجود دارد؛ اما افراد دیپلمه برای تصدی این کارها نداریم! در این وضعیت، لیسانس و بالاتر را در جایگاه فرد دیپلمه می‌نشانند و همین مسئله باعث سرخورگی و دلزدگی نسل جوان می‌شود. فشار روانی نیروی برای کار آن‌قدر زیاد می‌شود که بهره‌روی به‌شدت کاهش می‌یابد. در این اوضاع، حرف از رقابت‌پذیری خنده‌دار است. آخر چگونه این وضعیت را با مؤلفه‌های بین‌المللی بسنجیم؟

**۴ اشاره کردید به اینکه بر اثر رکود، موج بی‌کاری ایجاد شده، آیا حجمی از اخراج کارگران اخیرا اعلام شده است؟**

درصد مشخصی را اعلام نکرده‌اند؛ اما کارخانه‌هایی که من در جریان کارهای آنها هستم، تعدیل و اخراج داشته و دارند. یکی از صنایعی که با تعدیل نیرو، در حجم زیاد، روبه‌رو شده صنعت داروسازی بود. اگر رکود و فرهنگ، قدرت خرید نداشته باشند، مشکلی نیست؛ تولید می‌کنیم عاقبت کسی می‌آید و می‌خرد. وقتی کالای ما به دلیل اجرای ناقص قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، ندرارد و قیمت‌ها ثابت می‌ماند. در این شرایط، شعاع می‌تواند داشته باشد؟ اکنون قدرت خرید قشر آسیب‌پذیر از سال ۸۸ تا ۹۲، ۳۸ درصد کاهش پیدا کرد. وقتی این قدرت خرید از بین می‌رود، سطح توقع زندگی به پایین‌ترین سطح ممکن می‌رسد. در این شرایط، خریدی انجام نمی‌شود و رقابت و انگیزه تولید در صنعت وجود ندارد و قیمت‌ها ثابت می‌ماند. در این شرایط، شعاع کاهشی نرخ تورم داند، گول‌زدن است. وقتی رکود بیشتر می‌شود، عاقبت دامن معیشت کارگر را می‌گیرد و تعدیل نیرو اتفاق می‌افتد. کارگر به هر دستاویزی می‌خواهد شافل بماند و برای این کار حاضر می‌شود با کمترین دستمزد کار کند.

شاید در کشورهای دیگر براساس مباحث بین‌المللی ILO (سازمان جهانی کار) یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در

ثبات شغلی، دستمزد باشد. اما در ایران این معنا ندارد. نمی‌توان در ایران این مؤلفه را بیان کرد؛ چراکه نیروی کار اصلا قدرت چانه‌زنی ندارد. اینکه نیروی کار بگوید اگر این مبلغ را بدهید من کار می‌کنم، در ایران وجود ندارد. این معنا کم شده است؛ چراکه قدرت اشتغال نداریم و آمراهی که اعلام می‌کنیم واقعا شفاف نیست. ما وقتی می‌توانیم به فکر آینده یک مملکت یا سازمان یا یک خانواده باشیم که منبع اطلاعاتی شفاف داشته باشیم، وقتی به خودمان دروغ بگوییم و همه چیز را به سیاست وصل کنیم، باعث می‌شود همه بی‌کاری را لمس کنیم؛ اما در آمار ببینیم ۱۰ درصد بی‌کاری داریم، نبود شفاف‌سازی اطلاعاتی که از سال ۸۴ شروع شد و در ۸۸ به اوج خود رسید. این بالاها را سر ما آورد و بعد از آن هم جلو آن را نگرقتیم. جمعیت دهه ۶۰ با دانشگاه فرستاده شدند؛ چراکه بازار کار، توان جذب این جمعیت را نداشت. بعد از فارغ‌التحصیلی آنها، باز هم شرایط بازار کار مهیا نشده بود؛ ازاین‌رو شرایط ادامه تحصیلات عالیه تسهیل‌شد تا به‌جای ورود به بازار کار، این افراد در دانشگاه‌ها بمانند، در نتیجه، امروز می‌بینیم تعداد داوطلبان کنکور سراسری یک‌میلیون و ۱۲۰هزار نفر و

| ارز                | قیمت(تومان) | تغییر                                |
|--------------------|-------------|--------------------------------------|
| <b>دلار آمریکا</b> | ۳۵۰۷        | <span style="color: green;">↑</span> |
| <b>یورو</b>        | ۳۸۶۷        | <span style="color: green;">↑</span> |
| <b>پوند</b>        | ۵۳۸۰        | <span style="color: green;">↑</span> |
| <b>درهم</b>        | ۹۵۳         | —                                    |

| ارز                | قیمت(تومان) | تغییر                                |
|--------------------|-------------|--------------------------------------|
| <b>دلار آمریکا</b> | ۳۵۰۷        | <span style="color: green;">↑</span> |
| <b>یورو</b>        | ۳۸۶۷        | <span style="color: green;">↑</span> |
| <b>پوند</b>        | ۵۳۸۰        | <span style="color: green;">↑</span> |
| <b>درهم</b>        | ۹۵۳         | —                                    |

| عنوان شاخص                | مقدار   | تغییر |
|---------------------------|---------|-------|
| <b>کل</b>                 | ۶۲۹۴۸,۶ | ۲۴,۹  |
| <b>شاخص قیمت</b>          | ۲۴۶۲۸,۸ | ۹,۸   |
| <b>شاخص کل (هم‌وزن)</b>   | ۹۶۵۵,۳  | ۱۰,۶  |
| <b>شاخص قیمت (هم‌وزن)</b> | ۸۲۳۳,۵  | ۹,۱   |
| <b>آرژاندناویر</b>        | ۶۹۹۸۰,۴ | ۳۳,۹  |
| <b>۵۰ شرکت بزرگ</b>       | ۳۵۷۷,۶  | ۱,۸   |

## دومینو بازار مسکن، شاخص و رشد اقتصادی خروج برخی سهام‌داران از بازار

به بازار مسکن داشت که به نوعی در خصوص انتقال نقدبینگی موجود، باید آن را بازاری موازی با بازار سرمایه دانست. در صورتی که ارتباط بازار مسکن با دیگر صنایع بررسی‌شود، نقش بااهمیت این صنعت در تحرک مجدد وضعیت اقتصادی کشور قابل مشاهده است. بازار مسکن در حال‌حاضر در رکود به‌سر می‌برد و با توجه به ارتباطی که این صنعت با صنایع مختلف از جمله فلزات اساسی و کانه‌های فلزی، سیمان و دیگر صنایع باارزش قابل توجه در بازار سرمایه دارد، می‌تواند به رشد بازار سرمایه کمک قابل‌توجهی کند. از سوی دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذاری مرتبط با بخش مسکن نیز می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی را بر شاخص بازار داشته باشند. با بررسی سیاست‌های دولت در بسته خروج از رکود که در جهت رشد مجدد تقاضا و اقتصاد است، مباحث در خصوص کاهش

| عنوان شاخص                | مقدار   | تغییر |
|---------------------------|---------|-------|
| <b>کل</b>                 | ۶۲۹۴۸,۶ | ۲۴,۹  |
| <b>شاخص قیمت</b>          | ۲۴۶۲۸,۸ | ۹,۸   |
| <b>شاخص کل (هم‌وزن)</b>   | ۹۶۵۵,۳  | ۱۰,۶  |
| <b>شاخص قیمت (هم‌وزن)</b> | ۸۲۳۳,۵  | ۹,۱   |
| <b>آرژاندناویر</b>        | ۶۹۹۸۰,۴ | ۳۳,۹  |
| <b>۵۰ شرکت بزرگ</b>       | ۳۵۷۷,۶  | ۱,۸   |

رویداد

واکنش رسمی نیلی به بسته جدید اقتصادی دولت

### مشکل فعلی اقتصاد ایران تنگنای مالی است

● **شرق:** دیروز یادداشتی از مسعود نیلی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور در تمامی خبرگزاری‌ها منتشر شد که به‌نوعی واکنش رسمی او به بسته سیاست‌های جدید اقتصادی دولت برای نیمه دوم امسال محسوب می‌شد. «شرق»، بخشی از این یادداشت را در ادامه آورده است. نیلی در بخشی از این نوشته می‌گوید: مجموعه عوامل سه‌گانه مطالبات غیرجاری، بدهی‌های دولت و مؤسسات غیرمجاز، مشکل بزرگ تنگنای مالی را به وجود آورده‌اند که باعث شده با وجود کاهش تورم، نرخ‌های بانکی به‌طور غیرطبیعی بالا بماند. حاصل چنین شرایطی، عدم بازگشت تسهیلات اعطاشده و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و تهدید بازگشت تورم افسارگسیخته است.

از این کانال است که دو مشکل مهم اقتصاد ما در مقطع حاضر، یعنی کمبود تقاضا و تنگنای مالی به هم پیوند می‌خورند. به گفته او، می‌توان نتیجه گرفت که از میان دو مشکل بزرگ موجود اقتصاد ایران، یعنی کمبود تقاضا و تنگنای اعتباری، مشکل کمبود تقاضا عمده‌تا دارای منشأ «سیاست‌گذاری» و مشکل تنگنای اعتباری عمدتاً دارای منشأ «نهادی» است. مشکل اول را می‌توان با تحریک تقاضا برطرف کرد؛ اما سرنوشت اقتصاد به حل مشکل دوم گره خورده و لاجرم بدون حل ریشه‌ای مشکل تنگنای مالی نه مشکل رکود قابل حل است و نه تورم تک‌رقمی دست‌یافتنی.

هرچند بدون گذر از کمبود تقاضا نمی‌توان به حل مشکل دوم امید داشت. در بخشی دیگر از این یادداشت آورده شده: بنابراین تسهیل پولی مطرح‌شده در سیاست‌های جدید، ضروری و اجتناب‌ناپذیر و به‌عنوان یک مسُکُن برای بیماری است که باید یک دوره درمانی سخت را در اولین زمان ممکن که شرایط محیطی مهیا شود آغاز کند. همه باید به فکر فراهم‌کردن شرایط و امکانات لازم برای دوره درمانی سخت پیش‌رو باشیم.

در ادامه یادداشت آمده است: تسهیل مقداری پول، به مکمل سیاست‌های اعتباری یا به فرارداران مصرف‌کننده نهایی کالاهای بادوام نیاز پیدا می‌کند. تسهیل مقداری پول با عاملیت بانک مرکزی می‌تواند از طریق بازار بین‌بانکی، نرخ سود بانکی را تحت‌تأثیر قرار دهد و از این طریق تقاضا را افزایش دهد. از طرف دیگر، اگر بتوان به سمتی حرکت کرد که تسهیلات بانکی به سمت مصرف‌کننده هدایت شود کارایی تخصیص منابع در شرایط موجود افزایش می‌یابد.

ادامه از صفحه اول

### فساد فرهنگ و فرهنگ فساد

بی‌توجه به جویاز و امکان خریدوفروش و نمایش و خودنمایی و مبادله‌ای که می‌توانند با آن سود و زیان مشخص باشند، اینکه ذهن‌های حسابگر همه جا را فراگیرند، مصیبتی است که نباید از آن به‌راحتی گذشت و آن را «متعارف» تلقی کرد. فسادِ فرهنگ ممکن است در هر جامعه‌ای در برهه‌های گوناگون دیده شود؛ چنان‌که هیچ کشوری امروز در جهان نیست که به جز نقاط تراکم فساد (آنجاکه قدرت بی‌کنترل و ثروت ب‌دادآورده باهم پیوند می‌خورند) در حوزه‌های فرهنگ و هنر و دانش شاهد فساد نباشد. اما فرهنگ فساد پدیده‌ای بسیار حادتر است که باید از فسادهای که به هر شکلی شاهد ظهور آن هستیم، به سخت‌ترین شکل به مبارزه با آن برخیزیم؛ در غیر این صورت، نه‌تنها همه ما، بلکه همه دستاوردهای گذشگان ما نابود خواهد شد. فرهنگ فساد به معنای ساختارمندشدن فساد به‌منابه «پدیده‌ای متعارف» و از آن بدتر، ارزش‌یافتن سازوکارهای فسادبرانگیزی به‌منابه نوعی «زیرکی و مهارت» در جامعه است. خودنمایی و نوکیسگی در جامعه ما روزه‌روز در حال نهادهی‌ترشدن و تبدیل‌شدن به ساختار ثابت فرهنگ فساد هستند. گمان می‌کنیم هر اندازه قوانین بیشتر و سخت‌گیرانه‌تری تصویب و آنها را با شدت بیشتری اجرا کنیم، می‌توانیم فساد و فرهنگش را به عقب برانیم. اشتباه دقیقا در اینجااست! خود فساد از این‌گونه حرکت‌ها تغذیه می‌کند و قدرتمندتر می‌شود. راه مبارزه واقعی با فساد، ایجاد چرخه‌های کنش، دقیقا خلاف جهت ثروت و قدرت است. دوری از خودنمایی‌ها، بازکردن راه برای کالایی‌شدن زندگی، روابط انسانی، عواطف و… همه از سازوکارهای اجتماعی برای مقابله با فساد است. درک این نکته که فساد فرهنگ یا فساد را در هیچ بخش دیگری از جامعه نمی‌توان با ابزارهای ناکارآمد خنثی کرد، شاید تا حدی مشکل باشد، اما یک راه‌حل عملی و روش، تبدیل‌کردن اخلاق به معیار اصلی و تعیین‌کننده در همه زمینه‌های اجتماعی و روابط میان کنشگران است؛ اخلاق نه به معنای اخلاق‌گرایی نصیحت‌کننده و توصیه، بلکه اخلاقی عملی که مشروعیت خود و باور به خود را بیش از هر چیز در عمل و نه در زیان نشان دهد.